

## مولفه های مردم سالاری در پرتو قرآن کریم

طیبه اسدآبادی<sup>۱</sup>

نویسنده مسئول:

طیبه اسدآبادی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)  
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۲۵-۱۴

### چکیده

مردم سالاری دینی، روش زندگی سیاسی مردمی است که نظام دینی را برای اداره‌ی جامعه انتخاب کرده‌اند و این روش، تضمین کننده‌ی مشارکت سیاسی، اجرای عدالت و پذیرش حاکمیت شریعت در زندگی سیاسی مردم است. هدف یک نظام مردم سالار، ایجاد شرایطی است که در آن آحاد جامعه به سوی مقام انسان کامل در حال حرکت هستند. مهم ترین مؤلفه های مردم سالاری دینی، از جمله اقتدار، مشارکت سیاسی مردم، آزادی، برابری، برادری، عدالت، شایسته سالاری و نظارت و ابزارهای آن مانند امر به معروف و نهی از منکر و مشورت باید مطابق با احکام و قوانین اسلام باشد، زیرا حکومت اسلامی، مقید به شروط تعیین شده در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و حکومت قانون الهی بر مردم است. در این راستا پژوهش حاضر با نگرش توصیفی - تحلیلی کاوشی پیرامون تطابق مؤلفه های مذکور با آیات قرآن است و در کنار آن به برخی اصول مرتبط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که نمونه بارز مردم- سالاری دینی است، اشاره گردیده است.

**واژگان کلیدی:** قرآن، مردم سالاری، دین، نظام سیاسی اسلام، حاکمیت.

## مقدمه

مردم‌سالاری به معنای تجلی اراده مردم در انتخاب زمامداران و حفظ حقوق اولیه‌ی مردم است. بر اساس قرآن و عقل، حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی محرز است و راه‌یابی به سوی کمال تحت هدایت اوست. در مردم‌سالاری دینی، نقش مردم در فعلیت بخشیدن به حکومت اسلامی پررنگ است و مشارکت آنان ضامن بقای نظام اسلامی است. همان‌گونه که در آیه ۷۰ سوره اسراء آمده، انسان از جایگاهی ویژه برخوردار است. حکومت اسلامی، یک حکومت مشروطه است؛ به این معنا که مقید به شروط تعیین‌شده در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و حکومت قانون الهی بر مردم است، بنابراین مؤلفه‌های مردم‌سالاری باید مطابق با احکام و قوانین اسلام باشد. برخی مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی مانند انتخاب و مشارکت سیاسی مردم، نظارت و ابزارهای آن مانند اصل مشورت و امر به معروف و نهی از منکر در حکومت‌های دینی دلیل بر مردمی بودن آن‌ها است. پژوهش پیش رو این مسأله را مطرح می‌سازد که آیا مؤلفه‌های مردم‌سالاری در قرآن کریم آمده است که این خود مستلزم استخراج آیات مربوط در این زمینه است. بنابراین در این مقاله سعی شده است که این هدف به نحو منسجم محقق شود و در کنار آن به برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با این مؤلفه‌ها ارتباط دارد، اشاره شده است.

## ۱. مردم‌سالاری

انسان دارای توانایی‌هایی برتر از موجودات دیگر است که پوشش دادن به آن‌ها مستلزم فضایی برای شکوفا کردن است که این فضا در قالب نظام سیاسی مردم‌سالار نمود پیدا می‌کند. در این نظام، همه‌ی افراد از لحاظ ارزشی برابر انگاشته می‌شوند و در تحقق چنین ارزشی دارای توانایی انتخاب آزاد هستند که می‌تواند در سعادت و خودشکوفایی مؤثر واقع شود (خسروی، ۱۳۷۸، ص ۱۹). مردم‌سالاری به عنوان برقراری تساوی بین افراد جامعه و برخوردار کردن آن‌ها از آزادی و ارزش‌های یکسان اجتماعی و نیز دخالت دادنشان در زندگی فردی و اجتماعی آورده شده است (مشیری، ۱۳۷۸، ص ۴۶۲).

## ۲. دین و مردم‌سالاری

مردم‌سالاری در یک دسته‌بندی عام به مردم‌سالاری دینی و غیردینی تقسیم می‌شود. هرچند شاکله‌ی نظام‌های مردم‌سالار بر اساس رأی بیشتر مردم است، اما محتوای یک نظام مردم‌سالار گاه دینی و گاه غیردینی است. مردم‌سالاری دینی، بهترین نوع مردم‌سالاری در جهان است (طالبی، ۱۳۹۴، ص ۷۶) و ایجاد آن به تعریف دین و مردم‌سالاری، نوع نگاه به انسان و جامعه و همچنین درون‌گرا و برون‌گرا بودن دین بستگی دارد. دینی که صرفاً درون‌گرا و فاقد نظامات اجتماعی و تمایلات سیاسی و اقتصادی است، ظرفیت آن را ندارد که بخواهد مردم‌سالاری مبتنی بر آیین خویش را ایجاد کند، اما دین برون‌گرا از ظرفیت لازم برای تشکیل مردم‌سالاری دینی برخوردار است که اسلام جزء این دسته است (پروین، ۱۳۹۱، صص ۱۳۹-۱۴۰). پیشوایان اسلام، مردم را از همکاری با متولیان نظام سیاسی حکومت‌مدارانه بر حذر داشته‌اند، اما بر نظام سیاسی دادمدارانه تأکید کرده‌اند و برنامه‌های حکومتی خود را بر پایه‌ی آن قرار داده‌اند، از جمله: رعایت حقوق همه‌ی مردم بدون کمترین تبعیض، آزادی برای همگان بر اساس قانون، شایسته‌سالاری در تصدی مقامات (جنتانی، ۱۳۸۱، صص ۱۵-۱۶). آنچه امروزه با عنوان «مردم‌سالاری دینی» مطرح می‌شود، همان نظام سیاسی اسلام است که در آن اداره‌ی امور جامعه و رسیدگی به مسائل سیاسی و اجتماعی بر اساس قوانین اسلامی است (فاضلی، ۱۳۹۰، صص ۲۰-۲۱). نظام سیاسی دینی می‌کوشد با برنامه‌ریزی معقول تا آنجا که می‌تواند موانع دین‌داری را از سر راه مردم بردارد و عوامل رشد و بالندگی ایمان و تعهد دینی مردم را تقویت سازد (زرنشاس، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

اسلام پیش از مردم‌سالاری، قواعدی را بنانهاده که جوهر مردم‌سالاری بر آن بنیاد شده است (ابراهیم علی، بی تا، ص ۳۷). نظام سیاسی اسلام، حکومت را جزء احکام اولیه می‌داند. امام خمینی (ره) معتقد بودند که آنچه در اسلام حاکم است، قانون است و از آنجا که قانون‌گذاری در اسلام منحصر به ذات باری تعالی است، در حقیقت آن کسی که در جامعه حاکم است، خداوند است. بهترین نوع مردم‌سالاری نیز نشأت گرفته از مکتب اسلام است که تشکیل حکومت می‌دهد. از آنجا که حکومت جزء احکام اولیه مکتب مردم تلقی می‌شود، ملت آن را قبول دارند و خود را ملزم به مشارکت در امور سیاسی می‌کنند (علیخانی، ۱۳۷۷، ص ۲۲). در نظام اسلامی، مردم تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره‌ی کشور را توسط منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این انتخاب و اراده در سایه‌ی هدایت الهی هرگز به بیرون جاده‌ی صلاح راه نمی‌برد (بصیرنیا، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷). در مردم‌سالاری دینی این باور وجود دارد که همواره فرد قادر به تشخیص عقلانی مصالح خود نیست و انزال شرایع الهی و پیامبران، در جهت مساعدت انسان‌ها در انتخاب راه درست صورت گرفته است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲)؛ قرآن کریم درباره‌ی دین اسلام در آیه ۱۹ آل عمران می‌فرماید: «در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است»<sup>۱</sup> و در آیه ۸۵ همین سوره بیان می‌دارد: «هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید

<sup>۱</sup> «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».

هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است»<sup>۲</sup>.

### ۳. حاکمیت و مردم‌سالاری دینی

در مردم‌سالاری دینی، مشروعیت حاکمیت از آن کسی است که دارای علم بی‌نهایت باشد و بی‌نیاز مطلق باشد که این مقتضای ربوبیت خداوند است؛ حتی حاکمیت پیامبر اکرم (ص) به اذن الهی بوده است. حاکمیت دین اسلام، حضور و اتحاد مردم را می‌طلبد. مردم با پذیرش ولایت حاکم اسلامی، دین الهی را محقق می‌سازند. هرگاه مردم حاکمیت الهی را پذیرفتند، حاکمیت الهی محقق شده و این امر پس از اولیای معصوم نیز جاری است؛ بدین معنا که اگر حاکمیت الهی از طریق فقیه جامع‌الشرایط را بپذیرند، حاکمیت الهی استمرار پیدا خواهد کرد (مریجی، ۱۳۸۸، صص ۱۱۷ و ۱۱۹). منشأ حق تعیین سرنوشت، خدادادی است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان خاستگاه آن را این‌گونه دانست که خدا جزئی از وجود خویش را در انسان به ودیعت نهاده و شایستگی برخورداری از مواهب هستی را به او عطا کرده است (آقامحمد آقایی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱). حق آزادی تعیین سرنوشت، شرط تحقق هدف خلقت است و این امر در صورتی کامل است که همراه آزادی انسان، اراده‌ی او نیز دخیل باشد (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۶۰).

از دیدگاه قرآن کریم، فرجام نیک و بد هر قومی، محصول اراده و انتخاب آزاد انسان است؛ همان‌گونه که در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید: «... یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به‌سوی بلا و شکست] تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتار شایسته] در وجودشان قرارداد به زشتی‌ها و گناه تغییر دهند...»<sup>۳</sup>.

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام و به عنوان آیینی جامع به موضوع حاکمیت در ضمن تعالیم الهی خود پرداخته است. بر اساس نصوص دینی، حق صدور فرمان از آن مالک است و مالک حقیقی جهان و انسان، ذات باری تعالی است؛ بنابراین حکومت ذاتاً حق اوست. آیات قرآنی در این خصوص عبارت‌اند از:

۱. آیه ۶۲ سوره انعام: «... آگاه باشید، فرمانروایی و حکومت مطلق فقط ویژه اوست...»<sup>۴</sup>.
  ۲. آیه ۵۲ سوره نحل: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط در سیطره‌ی مالکیت و فرمانروایی اوست و نیز دین پایدار مخصوص اوست...»<sup>۵</sup>.
  ۳. آیات ۷۰ و ۸۸ سوره قصص: «... و فرمانروایی فقط برای اوست...»<sup>۶</sup>.
  ۴. آیه ۱۵۸ سوره اعراف: «... خدایی که مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین در سیطره‌ی اوست...»<sup>۷</sup>.
  ۵. آیه ۱ سوره ملک: «سودمند و با برکت است آنکه فرمانروایی [همه هستی] به دست اوست...»<sup>۸</sup>.
- هرکس بخواهد ولایت و حاکمیتی داشته باشد باید با اراده‌ی تشریعی خداوند باشد؛ یعنی او می‌تواند، مردم را به اطاعت او تکلیف کند. پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) از جانب خداوند دارای حق ولایت و حاکمیت‌اند و مردم مأمور به اطاعت از آن‌ها هستند. آیات زیر بیانگر این مورد است:
۱. آیه ۶ سوره احزاب: «پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است و همسرانش مادران آنان‌اند و بر طبق کتاب خدا دارندگان قرابت نسبی [در میراث بردن] از یکدیگر از مؤمنان و مهاجران سزاوارترند...»<sup>۹</sup>.
  ۲. آیه ۳۶ سوره احزاب: «و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد هنگامی که خدا و پیامبرش کاری را حکم کنند برای آنان در کار خودشان اختیار باشد و هرکس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند، یقیناً به صورتی آشکار گمراه شده است»<sup>۱۰</sup>.
  ۳. آیه ۶۵ سوره نساء: «به پروردگارت سوگند که آنان مؤمنان حقیقی نخواهند بود، مگر آن‌که تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در وجودشان هیچ دل‌نگی و ناخشنودی احساس نکنند و به‌طور کامل تسلیم شوند»<sup>۱۱</sup>.
  ۴. آیه ۱۰۵ سوره نساء: «یقیناً این کتاب را به‌درستی و راستی بر تو نازل کردیم تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی...»<sup>۱۲</sup>.

<sup>۲</sup> «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

<sup>۳</sup> «...إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّى يَغْيِرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ...».

<sup>۴</sup> «...أَلَا لَهُ الْحُكْمُ...».

<sup>۵</sup> «وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ...».

<sup>۶</sup> «...وَلَهُ الْحُكْمُ...».

<sup>۷</sup> «...الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...».

<sup>۸</sup> «تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ...».

<sup>۹</sup> «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ...».

<sup>۱۰</sup> «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا مُبِينًا».

<sup>۱۱</sup> «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

<sup>۱۲</sup> «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ...».

در زمان غیبت امام معصوم نیز به حکم آیات و روایات اشخاصی که صلاحیت و ویژگی‌های بالایی دارند، از جانب خداوند حق حاکمیت دارند.<sup>۱۳</sup> قرآن کریم پس از تأیید ضرورت شکل‌گیری جامعه انسانی و تأسیس حاکمیت، در مورد امامت و رهبری و زمامداری اسلامی، ارائه‌ی طریق نموده است، از جمله:

۱. آیه ۳۵ سوره یونس: «بگو از معبودان شما کسی هست که به‌سوی حق، هدایت کند؟ بگو: فقط خداست که به‌سوی حق هدایت می‌کند؛ پس آیا کسی که به‌سوی حق هدایت می‌کند برای پیروز شدن شایسته‌تر است یا کسی که هدایت نمی‌یابد مگر آن‌که هدایتش کنند؟ شمارا چه شده؟ چگونه [بدون دانش] داوری می‌کنید؟»<sup>۱۴</sup>.

۲. آیه ۲۴ سوره سجده: «و برخی از آنان را چون [در برابر مشکلات، سختی‌ها و حادثه‌های تلخ و شیرین] صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند»<sup>۱۵</sup>.

#### ۴. مردم‌سالاری دینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جامع‌ترین ارزش‌های موردنظر یک جامعه‌ی انقلابی در قانون اساسی منعکس می‌شود و مسئله‌ی مردم‌سالاری دینی و مبنای حقوقی آن در این قانون اساسی خودنمایی می‌کند (رهبر و مقدمی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲) و این قانون خطمشی کشور را در زمینه‌های حیات اجتماعی بر اساس ایمان به محتوای وحی و رسالت نجات‌بخش اسلام قرار داده و در نظام جمهوری اسلامی بنا بر انتخاب مردم، مبتنی بر قوانین اسلام است که در قرآن کریم آمده و این به دلیل خاتمیت، جاودانگی، جامعیت قوانین اسلام است (بابا پور گل‌افشانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲). این قانون با اصول مقدس دین اسلام به هم آمیخته شده و بارزترین قانون اساسی است که متکی به مذهب است و به‌طور گسترده، مبنای اصیل اسلامی را لازم‌الاجرا شناخته و هر آنچه با موازین اسلامی در تضاد است را مردود دانسته است (مدنی، ۱۳۸۰، ص ۳۰) جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه‌ی ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند متعال که بر مبنای بند ۶ اصل دوم قانون اساسی، نظامی کرامت محور و آزادی ستا است (گرچی ازندریانی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷).

بر اساس اصل ۵۶ قانون اساسی، حاکمیت بر اساس مبناهایی چون حاکمیت خداوند و حاکمیت مردم است که از طریق وضع قوانین اسلامی و حق تعیین سرنوشت اعمال می‌شود. اصول چهارم و یکصد و هفتادم، این موضوع به‌صراحت بیان شده است. بند ب ماده ۳۳ اعلامیه حقوق بشر در اسلام مقرر می‌دارد که «هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت نماید و می‌تواند تصدی پست‌های عمومی را بر طبق احکام شریعت عهده‌دار شود». از آنجاکه در یک نظام مردم‌سالار دینی، قوانین و امور باید بر اساس موازین اسلامی باشد، در این خصوص آیات ذیل از قرآن کریم استخراج شده است:

۱. آیه ۵۹ سوره نساء: «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید. اگر درباره‌ی چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی، خانوادگی و اجتماعی، جنگ و صلح] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] به خداوند و پیامبر ارجاع دهید...»<sup>۱۶</sup> در این آیه نیز جایگاه صاحبان ولایت و رهبری بعد از رسول اکرم (ص) را نیز تبیین کرده است که مشروعیت آنان در سایه‌ی استناد به حاکمیت بالذات خداوند است.

۲. آیه ۵۷ سوره انعام: «بگو بر من دلیل روشنی [مانند قرآن] از سوی پروردگارم هستم و حال آنکه شما آن را تکذیب کردید، عذابی که شما به آن شتاب دارید در اختیار من نیست. فرمان و حکومت فقط به دست خداست. همواره حق را بیان می‌کند و او بهترین داوران و جداکنندگان [حق از باطل] است»<sup>۱۷</sup>.

۳. برخی آیات سوره مائده: در آیه ۴۴ این سوره می‌فرماید: «همانا ما تورات را که در آن هدایت و نور است نازل کردیم. پیامبرانی که آنا زمان عیسی [تسلیم تورات بودند بر اساس آن برای یهودیان داوری می‌کردند و [نیز] دانشمندان الهی مسلک و عالمان یهود به سبب آن‌که حفظ و حراست کتاب خدا از آنان خواسته شده بود و بر [درستی] آن گواه بودند به وسیله‌ی آن داوری می‌نمودند... و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، مسلماً کافرنند»<sup>۱۸</sup>، همچنین در انتهای آیه‌های ۴۵ و ۴۷ همین سوره به ترتیب می‌فرماید: «... و آنان که بر طبق آنچه خدا

<sup>۱۳</sup> اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۱۴</sup> «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ».

<sup>۱۵</sup> «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بَايِتِنَا يَوْفُونَ».

<sup>۱۶</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ...».

<sup>۱۷</sup> «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِمَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضِ الْحَقُّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ».

<sup>۱۸</sup> «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبِّيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ... وَ مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ».

نازل کرده داوری نکنند، یقیناً ستمکارند»<sup>۱۹</sup>، «... و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، قطعاً بدکار و نافرمانند»<sup>۲۰</sup>.

## ۵. مؤلفه‌های مهم مردم‌سالاری دینی

مهم‌ترین ویژگی‌ها یا مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی را می‌توان اقتدار، مشارکت سیاسی مردم، نظارت و ابزارهای آن مانند امر به معروف و نهی از منکر و مشورت، آزادی، برابری، عدالت، برادری و شایسته‌سالاری دانست.

در مردم‌سالاری دینی، مرجعیت دین اسلام برای تبیین حدود این مؤلفه‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های مردم‌سالاری به رسمیت شناخته می‌شود. در ذیل به شرح این موارد و تطابق آن‌ها با آیات قرآن پرداخته می‌شود:

### ۵-۱. اقتدار

در قرآن کریم مفاهیمی چون امانت، ولایت و امامت به‌کاررفته است که می‌توان با مفهوم اقتدار نسبت برقرار کرد. آیات زیر راجع به موضوع اقتدار در مفاهیم فوق است:

۱. آیه ۷۲ سوره احزاب: «یقیناً ما امانت را [که تکالیف شرعی، سعادت‌بخش است] بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و آن‌ها از به عهده گرفتنش [به سبب اینکه استعدادش را نداشتند] امتناع ورزیدند و از آن ترسیدند و انسان آن را پذیرفت. بی‌تردید او [به علت ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است»<sup>۲۱</sup>.

۲. آیه ۵۵ سوره مائده: «سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی‌طالب‌اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و درحالی‌که در رکوع‌اند زکات می‌دهند»<sup>۲۲</sup>.

۳. آیه ۱۲۴ سوره بقره: «و هنگامی‌که ابراهیم را پروردگارش به تکلیفی آزمایش کرد، پس او همه را به‌طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی] فرمود: من تو را برای همه‌ی مردم، پیشوا قرار دادم...»<sup>۲۳</sup>.

### ۵-۲. مشارکت سیاسی

اسلام بر بعد فردی و اجتماعی انسان‌ها توجه کرده است. واژه‌ی مشارکت در آیات و روایات بیانگر مشارکت مردمی است. برای نمونه آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی رعد است که افزون بر اراده‌ی الهی در سرنوشت انسان، اراده‌ی خود انسان نیز در رقم زدن سرنوشتش مؤثر است (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

در اسلام، رابطه‌ی حکومت با مردم یک‌سویه نیست و مسلمانان نه‌تنها حق دارند، بلکه وظیفه دارند در امر حکومت مشارکت کنند و از این جهت است که در صورت بروز نارسایی و نابسامانی‌های جامعه، باید آزادانه دیدگاه‌های خود را ابراز کنند (لک زایی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳). مشارکت سیاسی در اسلام، از دو زاویه قابل بررسی است؛ یکی از جهت ایجابی که در آن مردم تلاش می‌کنند بر طبق برنامه‌های اعلام‌شده حرکت کنند و حضور خود را بر اساس چارچوب‌های از قبل پیش‌بینی‌شده اعلام کنند. مکانیزم‌های این نوع مشارکت، فرآیند بیعت و انتخاب است؛ دیگری مشارکت سلبی است که در آن سازوکارهای معمولی مورد اعتراض قرار می‌گیرد که مهم‌ترین مصداق آن، نظارت با ابزارهایی نظیر امر به معروف و نهی از منکر و مشورت است (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۶۱).

### ۵-۳. نظارت و ابزارهای آن

منشأ نظارت مردمی، اندیشه‌ی آزادی فردی است که یک ارزش ذاتی است که در این فرض افراد در تصمیم‌گیری‌های جامعه مشارکت فعال دارند (دبیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲). هنگامی مردم‌سالاری تحقق می‌یابد که انتخاب‌کنندگان بتوانند نظارت خود را نه‌فقط بر فرآیند تصمیم‌گیری، بلکه بر تصمیم‌گیرندگان اعمال کنند (کدیور، ۱۳۸۵، ص ۴۵). قدرت برای انسان خیر است اما اگر مطلق باشد، اغلب مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل است، زمانی که پیامبر اکرم (ص) در مدینه به قدرت رسید، خداوند در آیه ۲۸ سوره احزاب به او خطاب کرد که: «ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زیور و زینتش را می‌خواهید بیاید تا برخوردارتان نمایم و با روشی پسندیده رهایتان کنم»<sup>۲۴</sup>.

<sup>۱۹</sup> «... وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

<sup>۲۰</sup> «... وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

<sup>۲۱</sup> «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا».

<sup>۲۲</sup> «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ».

<sup>۲۳</sup> «وَ إِذْ بَتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَتٍ فَأَتَمَّتْهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ...».

<sup>۲۴</sup> «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَ أُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا».

بنابراین قدرت باید به وسیله‌ی نظارت مردم محدود شود (منتظر قائم، ۱۳۹۳، ص ۸۹).

مردم با اعمال نظارت خود در مقام تحقق حق مشارکت در اداره امور عمومی به صورت روش های زیر قرار می گیرند:

### ۱-۳-۵. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از عناصر اساسی مردم سالاری دینی، اصل امر به معروف و نهی از منکر است که امروزه به نظارت اجتماعی تعبیر می شود و تنها فریضه‌ای است که شکل آن به تعبیر فقها توفیقی نیست، بلکه چگونگی اجرای آن بر عهده‌ی مسلمانان گذاشته شده است که در هر زمان می توانند مؤثرترین روش ها را به کار گیرند (فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰). امر به معروف و نهی از منکر حق مردم است و خداوند امر به معروف و نهی از منکر را صفت مؤمنانی می داند که توانایی دارند و از امکانات لازم برخوردارند. لازمه‌ی آن حق نظارت مردم بر عملکردهای حاکمان است. آیات زیر در این باره از قرآن کریم استخراج شده است:

۱. آیه ۷۱ سوره توبه: «مردان و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند، همواره به کارهای شایسته فرمان می دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارند...»<sup>۲۵</sup>.

۲. آیه ۴۱ سوره حج: «همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می دارند و زکات می پردازند و مردم را به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای زشت باز می دارند و عاقبت همه‌ی کارها فقط در اختیار خداست»<sup>۲۶</sup>.

۳. آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «و باید از شما گروهی باشند که [همه‌ی مردم را] به سوی خیر دعوت نمایند و به کار شایسته وادارند و از کار ناپسند بازدارند؛ یقیناً اینان رستگارانند»<sup>۲۷</sup>.

### ۲-۳-۵. شورا

اصل مشورت، جوهر مردم سالاری را حکومتی به دست مردم توصیف می کند که مستلزم آن است که خود مردم تصمیم بگیرند که کدام خطمشی از همه بهتر است (زنی، ۱۳۷۴، ۱۴۰). شورا یکی از ارکان نظام سیاسی اسلام محسوب می شود و خداوند در قرآن کریم، شورا را مبنای اصلی رفتار متقابل مردم دانسته و آن را به عنوان یکی از خصایص برجسته مؤمنان در ردیف اطاعت امر خدا و برپاداشتن نماز قرار داده است تا راه استبداد و خودمحوری بر روی افراد بسته شود (وکیل و عسکری، ۱۳۸۸، ص ۸۵).

آیات زیر در مورد اصل شورا می باشد:

۱. آیه ۳۸ سوره شوری: «و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارشان در میان خودشان بر پایه‌ی مشورت است...»<sup>۲۸</sup>.

۲. آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «... و در کارها با آنان مشورت کن...»<sup>۲۹</sup>.

### ۴-۵. آزادی

در خصوص آزادی، مفهوم مطلق آن مطلوب هیچ ایدئولوژی و مکتبی نیست، اما مفهوم پذیرفته شده‌ی آن، یعنی در حدی که به حقوق و آزادی های دیگران لطمه نزند مورد تأیید است (طلوعی، ۱۳۸۵، ص ۳۱). به اعتقاد شهید مطهری از نظر اسلام، آزادی و مردم سالاری بر اساس آن چیزی است که تکامل انسانی انسان ایجاب می کند؛ یعنی آزادی، حق انسان بماهو انسان است که ناشی از استعدادهای انسانی است و این که می گوئیم در اسلام، مردم سالاری وجود دارد به این معنا است که اسلام می خواهد آزادی واقعی، به معنای دربند کردن حیوانیت و رها ساختن انسانیت را به انسان دهد (لک زایی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۲). یکی از برنامه های پیامبر گرامی اسلام (ص) اعمال این اصل است؛ آیه ۱۵۷ سوره اعراف حاکی از این است: «... و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره ها [ی چهل و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی دارد...»<sup>۳۰</sup>.

یکی از راه های تحقق مردم سالاری دینی، وجود آزادی های اساسی در جامعه است. در قلمرو نظام سیاسی اسلام انواع آزادی ها با شرایط خاص خود وجود دارد که آیات ذیل دال بر این بحث است:

۱. آیه ۱۵ سوره جاثیه: «هر کس کار شایسته ای انجام دهد، به سود خود اوست و هر کس مرتکب بدی شود، به زیان خود اوست...»<sup>۳۱</sup>.

۲. آیه ۲۵۶ سوره بقره: «در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی

<sup>۲۵</sup> «و الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

<sup>۲۶</sup> «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَقِبَةُ الْأُمُورِ».

<sup>۲۷</sup> «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

<sup>۲۸</sup> «و الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...».

<sup>۲۹</sup> «... وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأُمْرِ...».

<sup>۳۰</sup> «... وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...».

<sup>۳۱</sup> «مَنْ عَمَلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا...».

باید آزادانه با به کارگیری عقل، دین را بپذیرد...»<sup>۳۲</sup>.

۳. آیه ۳ سوره انسان: «ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس»<sup>۳۳</sup>؛ این آیه نشانگر این است که انسان بر سرنوشت خویش حاکم است و قادر است هر مسیری را در زندگی خود انتخاب کند. مضمون این آیه با آیه ۹ سوره نحل قرابت دارد، آنجا که می‌فرماید: «و قرار دادن راه راست [برای هدایت بندگان به سوی سعادت ابدی] فقط بر عهده‌ی خداست و برخی از این راه‌ها کج و منحرف است و اگر خدا می‌خواست همه‌ی شما را [به‌طور اجبار] به راه راست هدایت می‌کرد»<sup>۳۴</sup>.

۴. آیه ۱۲ سوره حجرات: «ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است و [در امور] که مردم پنهان ماندنش را خواهان‌اند [تفحص و پی‌جویی نکنید]»<sup>۳۵</sup> این آیه با اصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در خصوص آزادی زندگی خصوصی و عدم تجسس در امور مردم تطابق دارد.

۵. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور: «ای اهل ایمان! به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید مگر آن که اجازه بگیرید...»<sup>۳۶</sup> و «اگر کسی را در آن‌ها نیافتید، وارد آن نشوید مگر اینکه به شما اجازه دهند...»<sup>۳۷</sup>.

در کنار آزادی‌ها، مسئولیت اعمال سرنوشت‌ساز انسان را بر عهده‌ی خود انسان نهاده است که دو آیه‌ی زیر بر این امر دلالت می‌کند:

۱. آیه ۲۹ سوره کهف: «... پس هر که خواست ایمان بیاورد و هر که خواست کافر شود. به یقین ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌هایش بر آنان احاطه دارد و اگر [از شدت تشنگی] درخواست کمک کنند، با آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند [به کمک خواهی آنان] جواب گویند. بد آشامیدنی و بد جایگاهی است»<sup>۳۸</sup>.

۲. آیه ۲۸۶ سوره بقره: «... هر کس عمل شایسته‌ای انجام داده، به سود اوست و هر کس مرتکب کار زشتی شده به زیان اوست...»<sup>۳۹</sup>.

## ۵-۵. برابری

از نظر نظام سیاسی اسلام، همه‌ی مردم اعم از قوی و ضعیف، فرمانروا و فرمان‌بردار، عرب و عجم، سیاه‌وسفید، قریب و بعید و... در برابر قانون برابرند (اخلاقی، ۱۳۸۹، ۱۸۲). آیه ۱۳ سوره حجرات در این خصوص است:

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست...»<sup>۴۰</sup>.

از دیدگاه اسلام، انسان از هر نژاد و با هر نوع ویژگی مادی و معنوی از دو انسان مرد و زن آفریده شده‌اند که مطابق با آیه ۱ سوره نساء می‌باشد: «ای مردم! از [مخالفت با فرمان‌های] پروردگارتان بپرهیزید؛ آن که شما را از یک تن آفرید و جفتش را از [جنس] او پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را منتشر ساخت...»<sup>۴۱</sup>. از جمله مسائلی که در قرآن بیان شده است، موضوع خلقت برابر زن و مرد است. اسلام پیروان خود را امت وسط معرفی کرده است و همیشه سعی در اجرای آیه ۱۴۳ سوره بقره داشته است. این آیه بیان می‌دارد که: «و همان‌گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم] شما را امتی میانه [و پیراسته از افراط و تفریط] قراردادیم تا [در ایمان، عمل، درستی و راستی] بر مردم گواه باشید...»<sup>۴۲</sup>.

در زیر برخی آیات خصوص برابری زن و مرد آورده شده است:

۱. آیه ۲۲۸ سوره بقره: «... و برای زنان حقوق شایسته‌ای بر عهده‌ی مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده‌ی زنان است...»<sup>۴۳</sup>.

۲. آیه ۹۷ سوره نحل: «از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد درحالی که مؤمن باشد، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم

<sup>۳۲</sup> «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...».

<sup>۳۳</sup> «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».

<sup>۳۴</sup> «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْنَاكُمْ أَجْمَعِينَ».

<sup>۳۵</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا...».

<sup>۳۶</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا...».

<sup>۳۷</sup> «فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ...».

<sup>۳۸</sup> «...فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَقًى».

<sup>۳۹</sup> «...لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ...».

<sup>۴۰</sup> «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ...».

<sup>۴۱</sup> «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً...».

<sup>۴۲</sup> «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...».

<sup>۴۳</sup> «... وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...».



و پاداششان را بر پایه‌ی بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، می‌دهیم»<sup>۴۴</sup>.

۳. آیه ۲۱ سوره روم: «و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان، همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرارداد؛ یقیناً در این کار نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند»<sup>۴۵</sup>.

## ۶-۵. عدالت

از دیدگاه اسلام، عدالت مانند توحید در تمام مسائل سیاسی، حقوقی، اجتماعی تجلی دارد و از اهمیت خاص برخوردار است. قرآن نیز عدالت اجتماعی را بالاترین ارزش حیاتی بشر دانسته و یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت قرار داده است. آیات ذیل در مورد عدالت از قرآن کریم استخراج شده است:

۱. آیه ۵۸ سوره نساء: «...و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید»<sup>۴۶</sup>.
  ۲. آیه ۱۳۵ سوره نساء: «ای اهل ایمان! همواره در همه‌ی امور زندگی [قیام‌کننده به عدل و گواهی‌دهنده به خدا باشید، هرچند به زیان خود یا پدر و مادر و یا خویشان باشد]»<sup>۴۷</sup>.
  ۳. آیه ۹۰ سوره نحل: «به راستی خدا به عدالت و احسان فرمان می‌دهد»<sup>۴۸</sup>.
  ۴. آیه ۲۵ سوره حدید: «همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ای تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند»<sup>۴۹</sup>.
  ۵. آیه ۱۵ سوره شوری: «... بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آوردم و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم»<sup>۵۰</sup>.
  ۶. آیه ۸ سوره مائده: «ای اهل ایمان! همواره در همه‌ی امور زندگی [قیام‌کننده برای خدا و گواهان به عدل و داد باشید و نباید دشمنی با گروهی شمارا بر آن دارد که عدالت نورزید؛ عدالت کنید که عدالت ورزی به پرهیزکاری نزدیک‌تر است ...]»<sup>۵۱</sup>.
  ۷. آیه ۴۲ سوره شوری: «...و اگر میانشان داوری کردی به عدالت داوری کن؛ زیرا خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد»<sup>۵۲</sup>.
  ۸. آیه ۹ سوره حجرات: «...میان آن‌ها [دو گروه از مؤمنان] به عدالت آشتی برقرار کنید و همواره دادگری پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد»<sup>۵۳</sup>.
- در اصل چهاردهم قانون اساسی<sup>۵۴</sup> به حکم آیه‌ی ۸ سوره ممتحنه رعایت عدل را وظیفه مسلمانان می‌داند و در بند ۹ و ۱۲ از عدالت به عنوان هدف یاد می‌کند.

## ۷-۵. برادری

برادری یک ارزش معنوی و اخلاقی است که بر اصل برابری برتری دارد، زیرا جامعه بشری را احساسات و دوستی پیوند می‌دهد. اگرچه عواملی چون نژاد، زبان و قومیت در ایجاد همبستگی و همدلی مؤثر است، اما اسلام، دین را برتر از همه‌ی این عوامل می‌داند و معتقد است حکومت باید به طرق مختلف روح برادری را در بین مسلمانان تشویق کند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲).

در ذیل آیاتی که با محتوای برادری و تعاون و همدلی است آمده است:

۱. آیه ۷ سوره ممتحنه: «امید است خدا میان شما و کسانی که از کافران که با آنان دشمنی داشتید [به وسیله‌ی اسلام آوردنشان] دوستی قرار

<sup>۴۴</sup> «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

<sup>۴۵</sup> «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

<sup>۴۶</sup> «...وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ».

<sup>۴۷</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ».

<sup>۴۸</sup> «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ».

<sup>۴۹</sup> «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

<sup>۵۰</sup> «...قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ».

<sup>۵۱</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ».

<sup>۵۲</sup> «...وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

<sup>۵۳</sup> «...فَاصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

<sup>۵۴</sup> این اصل مقرر می‌دارد: «به حکم آیه‌ی شریفه‌ی «لَا يَنْهٰيكُمْ اللّٰهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يِقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ اِنْ تَبَرَّوْهُمْ وَ تَقَسَّطُوا اِلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».



دهد...»<sup>۵۵</sup>.

۲. آیه ۳۴ سوره فصلت: «و نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی] را با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی صمیمی است»<sup>۵۶</sup>.

۳. آیه ۱۰ سوره حجرات: «جز این نیست که همه‌ی مؤمنان باهم برادرند؛ بنابراین [در همه‌ی اختلافات] میان برادرانتان آشتی برقرار کنید...»<sup>۵۷</sup>.

۴. آیه ۱۲۵ سوره نحل: «[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز...»<sup>۵۸</sup>.

۵. آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «... آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد در نتیجه به رحمت و لطف او باهم برادر شدید...»<sup>۵۹</sup>.

بند ۱۵ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی به توسعه و تحکیم برادری اسلامی پرداخته است.

## ۸-۵. شایسته‌سالاری

در مردم‌سالاری دینی، حاکمان باید دارای شرایط ویژه بوده و از صلاحیت‌ها و توانایی‌های بالایی برخوردار باشند. مردم موظف هستند که به افراد واجد شرایط رأی دهند (کریمیان مجد، ۱۳۸۵، ص ۶۵). معیار گزینش و بهره‌مندی افراد از پست‌های مدیریتی، شایستگی‌های آنان می‌باشد. مفهوم شایستگی در این زمینه بر اساس منطق تعالیم الهی بر دو عنصر هم‌پایه؛ یعنی تخصص و تعهد استوار است (کریمی والا، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موضوع انتخاب شایستگان توجه شده است. بر طبق اصل دوم قانون اساسی، مسئولان طراز بالا جهت تصدی سازمان‌های مختلف حکومت، علاوه بر آن‌که باید به‌طور غیرمستقیم حائز مشروعیت ناشی از آراء مردم باشند، ایمان، صحت عمل و شایستگی آنان نیز مناط اعتبار خواهد بود (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴).

قرآن کریم از زبان دختر حضرت شعیب در آیه ۲۶ سوره قصص عبارتی را نقل می‌کند که می‌توان از آن لزوم شایستگی برای هر مسئولیت را استفاده نمود: «یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی، آن کسی است که نیرومند و امین باشد [و او دارای این صفات است]»<sup>۶۰</sup>.

در قصه‌ی طالوت نیز در آیه ۲۴۷ سوره بقره، علم و آگاهی و نیروی جسمانی را شرط می‌داند: «و پیامبرشان به آنان گفت: بی‌تردید خدا طالوت را برای شما به زمامداری برانگیخت. گفتند: چگونه او را بر ما حکومت باشد در صورتی که ما به فرمانروایی از او سزاوارتریم و به او وسعت و فراخی مالی داده نشده [پس ما کجا و زمامداری انسانی تهدیدست کجا؟] [پیامبرشان] گفت: خدا او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده و خدا زمامداری‌اش را به هرکس که بخواهد عطا می‌کند...»<sup>۶۱</sup>. همچنین در آیه ۵۵ سوره یوسف نیز به دانایی اشاره می‌کند: «یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه‌های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم»<sup>۶۲</sup>.

<sup>۵۵</sup> «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَةً...».

<sup>۵۶</sup> «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ».

<sup>۵۷</sup> «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...».

<sup>۵۸</sup> «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جِدْ لَهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...».

<sup>۵۹</sup> «...إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءُ فَأَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...».

<sup>۶۰</sup> «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا بْتَ اسْتَجِرْهُ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ يَسْتَجِرَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ».

<sup>۶۱</sup> «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ...».

<sup>۶۲</sup> «أَلْ أَجْعَلَنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ».

## نتیجه گیری

در حکومت‌های دینی وجود مؤلفه‌هایی مانند شورا، انتخاب، اصل امر به معروف و نهی از منکر دلیل بر مردمی بودن آن‌ها است؛ زیرا اصل شورا، یعنی مشارکت همگانی و انتخاب یعنی در شرع مقدس، رأی مردم محترم است. اصل امر به معروف و نهی از منکر نیز بیانگر نظارت مستمر همگانی است. در حکومت اسلامی تطابق قوانین موجود در آن باید با موازین و احکام اسلامی رعایت شود. با تدبیر در برخی آیات قرآن کریم می‌توان به خوبی دریافت که حاکمیت در اصل بر اساس مبنایی چون حاکمیت خداوند است که از طریق وضع قوانین اسلامی اعمال می‌شود و آیات متعددی در مورد حاکمیت الهی نازل شده است. مردم در نظام اسلامی از جایگاه ممتازی برخوردارند و حاکمیت دین اسلام، مشارکت مردم را می‌طلبد. آنچه قابل قبول است، قرار گرفتن حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند است؛ بنابراین اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده این نظام، اسلام‌گرایی، تکیه بر مبانی اسلامی و قرآن و حکومت مردم است که جمهوری اسلامی بر این دو پایه استوار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبانی اصیل اسلامی را لازم‌الاجرا شناخته و هر آنچه با موازین اسلامی در تضاد است را مردود دانسته است. مهم‌ترین مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی اقتدار، مشارکت سیاسی مردم، آزادی، برابری، عدالت، برادری، شایسته‌سالاری و نظارت و ابزارهای آن مانند امر به معروف و نهی از منکر و مشورت است که آیات متعددی در این خصوص آورده شده است که نشانگر پذیرش این نوع مردم‌سالاری در نظام سیاسی اسلام است.

## فهرست منابع:

- قرآن کریم
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱. اخلاقی، غلام سرور، «راهکارها و موانع تحقق عدالت در نظام سیاسی اسلام»، فصلنامه پژوهشی - علمی کوثر معارف، ۱۳۸۹، ۱۳.
- ۲. اخوان کاظمی، بهرام، «رویکردی به مردم‌سالاری دینی از زاویه نقد دموکراسی لیبرال»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۳۸۲، ۲۰.
- ۳. اکبری، کمال، رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی، قم، معارف، ۱۳۸۴.
- ۴. آقامحمد آقایی، احسان، نقش دولت در فرایند مشارکت‌پذیری مردم (پژوهشی درباره دولت مشارکت پذیر)، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۲.
- ۵. ابراهیم علی، حیدر، «ندای دموکراسی در اسلام»، مجید مرادی، اطلاعات حکمت و معرفت، بی تا، ۵.
- ۶. بابا پور گل‌افشانی، محمدمهدی، «مبانی کلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ۳۱.
- ۷. بشیریه، حسین، گذار به مردم‌سالاری «گفتارهای نظری»، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۷.
- ۸. بصیرنیا، غلامرضا، نسبت دموکراسی و مکتب‌های سیاسی (دین، لیبرالیسم، سوسیالیسم، آنارشیسم، فاشیسم)، قم، معارف، ۱۳۸۱.
- ۹. پروین، خیرالله؛ نورایی، مهدی، «تعارض دموکراسی و سکولاریسم»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۳۹۱، ۱.
- ۱۰. جناتی، محمدابراهیم، «حقوق متقابل مردم و حاکمان»، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۱، ۱۸.
- ۱۱. خسروی، حسن، حقوق انتخابات دموکراتیک (اصول، مبانی و الگوی مطلوب نظام انتخابات پارلمان)، تهران، مجد، ۱۳۷۸.
- ۱۲. دبیرنیا، علیرضا، قدرت مؤسس؛ کاوشی در مبانی حقوق اساسی مدرن، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۳.
- ۱۳. رنی، آستین، حکومت: آشنایی با علم سیاست، لی لا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- ۱۴. رهبر، عباسعلی؛ مقدمی، مهرداد، «بنیان‌های حقوقی مردم‌سالاری دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ۲۵.
- ۱۵. زرناس، شهریار، بحران جهانی دموکراسی و اندیشه مردم‌سالاری دینی در ایران، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
- ۱۶. طالبی، محمدحسین، «رابطه حق حاکمیت، دموکراسی و مردم‌سالاری دینی»، حکومت اسلامی، ۱۳۹۴، ۲.
- ۱۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۸. طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، چاپ سوم، تهران، علم، ۱۳۸۵.
- ۱۹. علیخانی، علی‌اکبر (گردآورنده)، مشارکت سیاسی، تهران، سفیر، ۱۳۷۷.
- ۲۰. فاضلی، میرزا حسین، جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت‌الله نائینی و شهید صدر، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی «ص»، ۱۳۹۰.
- ۲۱. کدیور، محسن، «اسلام و دموکراسی، سازگاری یا ناسازگاری»، علوم اجتماعی، آیین، ۱۳۸۵، ۳.
- ۲۲. کریمی والا، محمدرضا، «نظریه حاکمیت در دیدگاه اسلام»، معرفت، ۱۳۸۶، ۱۱۵.
- ۲۳. \_\_\_\_\_، «نظریه اسلام در جستاری بر تقریرهای مشروعیت نظام سیاسی»، حکومت اسلامی، ۱۳۸۹، ۳.
- ۲۴. کریمیان مجد، سجاد، «مردم‌سالاری دینی در برابر لیبرال دموکراسی»، فرهنگ پویا، ۱۳۸۵، ۲.
- ۲۵. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸.
- ۲۶. لک زایی، شریف، «آیه الله مطهری و آزادی‌های سیاسی»، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۱، ۱۷.
- ۲۷. محمدی، منوچهر، «مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی یا تئوکراسی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ۵۴.
- ۲۸. محسنی، فرید؛ عبدالهی، حسین، «نقد مبانی حقوق شهروندی لیبرالی با تکیه بر جایگاه مردم در نظام حقوقی اسلام»، دانش حقوق عمومی، ۱۳۹۲، ۶.
- ۲۹. مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ ششم، تهران، پایدار، ۱۳۸۰.
- ۳۰. مریجی، شمس الله، «بررسی تطبیقی قانون و حاکمیت در ساختار سیاسی اسلام و دموکراسی»، علوم سیاسی، ۱۳۸۸، ۴۷.
- ۳۱. مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، چاپ چهارم، تهران، سروش، ۱۳۷۸.
- ۳۲. منتظر قائم، مهدی، «حقوق شرعی نظارت مردم بر حکومت»، حکومت اسلامی، ۱۳۹۳، ۴.
- ۳۳. وحیدی منش، حمزه علی، «اسلام و دموکراسی»، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۴، ۳۱.

۳۴. وکیل، امیرساعد؛ عسکری، پویا، قانون اساسی در نظم کنونی، چاپ سوم، تهران، مجد، ۱۳۸۸.